2شنبه 24/6/1404-22ربیع الاول 1447- 15 سپتامبر 2025-درس 5 فقه روابط سازمانی (فقه الروابط) – رابطه مدیر با خدا به عنوان مدیرکل هستی- حسن فعلی و حسن فاعلی

 **مسئله‌ی 5: انجام فعل سازمانی به نحو احسن اگر به نیت قرب به خدا و رضایت او انجام شود، علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی را هم تأمین می‌کند و فرد و سازمان را به تعالی حقیقی می‌رساند؛ لذا کارکنان در انجام وظائف سازمانی خود موظف‌اند کسب رضایت خدا را لحاظ کنند**

معلوم شد برای اصلاح ذات‌البین با خدا، کارکنان سازمان خوب است در کلیه‌ی خدمات، اقدامات و تصمیمات خود قصد قربت به خدا را نیت[[1]](#footnote-1) کنند تا به تدریج بینونت به قربت به خدا تبدیل شود. و معلوم شد که قصد قربت از ارکان عبادات است و در اخبار باب است که «نیة المومن خیر من عمله» و «انما الأعمال بالنیات» و این‌که ما عمل را به چه غرضی انجام می‌دهیم، اطلاق اخبار[[2]](#footnote-2) شامل فعل و عمل سازمانی هم می‌شود. چه‌بسا در عمل سازمانی نیت نقش بارزتری دارد. نیت است که به عمل رنگ می‌دهد و نیز در اثربخشی آن مؤثر است. اگر نیت صرفاً مادی باشد، شهرت، قدرت و ثروت باشد، ممکن است عمل مطابق اهداف سازمانی انجام شود، ولی بعد معنوی و انگیزشی آن مورد کاهش قرار می‌گیرد و می‌دانیم که انگیزش ثمره‌ی مدیریت رفتار سازمانی است با پشتوانه‌ی معنویت به عنوان ثمره‌ی مدیریت فرهنگ سازمانی. و عمده‌ی قلمروی نیت و تأثیرگذاری آن در انگیزش و معنویت است که اگر نیت خالص و صالح نباشد، حسن فاعلی ضربه می‌خورد، ولو حسن فعلی هم موجود باشد. یعنی کالا و خدمات استاندارد و مشتری‌پسند باشد، زیرا حسن فاعلی به معنای کار برای خداست که منحصر در نیت خالص است در جهت رضایت خالق و تأمین معاد. و از آن‌جا که در مدیریت رفتار انگیزش مهم است، انگیزش هم برای اوج‌گیری متوقف بر نیت خدایی و ربوبی است که اصطلاحاً به عمل حسن فاعلی[[3]](#footnote-3) می‌دهد. برای تعالی سازمانی و بهبود مستمر خدمات نمی‌توان به حسن فعلی بسنده کرد. حسن فعلی بدون حسن فاعلی برای سازمان تعالی حقیقی نمی‌آورد، زیرا کار را برای مدیر کل هستی انجام دادن و رضایت او را دنبال بودن است که سازمان را بالا می‌برد به بلندای افلاک و ارضین، فافهم.

فتحصل که انجام فعل سازمانی به نحو احسن اگر به نیت قرب به خدا و رضایت او انجام شود، علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی را هم تأمین میکند و فرد و سازمان را به تعالی حقیقی می‌رساند؛ لذا کارکنان در انجام وظائف سازمانی خود موظف‌اند کسب رضایت خدا را لحاظ کنند.[[4]](#footnote-4)

1. نِیَّت قصد، اراده و انگیزه اختیاری انسان برای انجام [عبادت](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%AA) یا کارها است. در [روایات](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA) ارزش هر کار با توجه به «نیت» و انگیزه صاحب عمل تعیین می‌شود. در متون روایی نیت اصل و شالوده کارها معرفی شده و اعمال را ثمره آن می‌دانند. [مسلمانان](https://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86) به داشتن نیت پاک و مخلصانه توصیه شده و نیت فاسد و [ریایی](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%DB%8C%D8%A7) را عامل از بین رفتن [برکت](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A8%D8%B1%DA%A9%D8%AA) و پیش‌آمدن بلا و گرفتاری دانسته‌اند.

بنا بر نظر [فقها](https://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D9%82%D9%87%D8%A7) نیت همراه با [قصد قربت](https://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%B5%D8%AF_%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%AA) در [عبادات](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%AA) ضروری است و از [ارکان نماز](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%A7%D9%86_%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2) نیز محسوب می‌شود؛ ولی لازم نیست بر زبان آورده شود. «نیت» در لغت به معنای «قصد»، «اراده»، «عزم» و «اندیشه» به کار رفته (دهخدا) و در اصطلاح نیز به معنای قصد و اراده‌ای است که انسان را به چیزی وادار کند. (خمینی، *آداب الصلوة*، ص. ۵۶) از محقق طوسی  نقل شده که «نیت» قصد انجام دادن فعل و واسطه‌ی بین علم و عمل است. (مشکینی، *درس‌های اخلاق*، ص. ۶۴) [مصباح یزدی](https://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D8%AD_%DB%8C%D8%B2%D8%AF%DB%8C)  نیز نیت را به «انگیزه‎ی اختیاری و آگاهانه برای انجام دادن کارها»، تعریف کرده است. (مصباح یزدی، *کلمة حول فلسفة الاخلاق*، ص. ۲۱) بر اساس [روایات](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA)، ارزش و اهمیت هر کاری بر اساس نیت و انگیزه‌ی آن تعیین می‌شود. (ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمة*، ج. ۱، ص. ۵۷۹) به علاوه این‌که نیت‌های [ریایی](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%DB%8C%D8%A7) باعث باطل شدن عمل و نیت‌های مخلصانه و با [قصد قربت](https://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%B5%D8%AF_%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%AA) به خداوند، باعث کمال عمل می‌شوند. (حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج. ۱، ص. ۵۱) طبق [حدیث](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB) نبوی معروف «[إنّما الأعمالُ بالنیّات](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D9%86%D9%85%D8%A7_%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%84_%D8%A8%D8%A7%D9%84%D9%86%DB%8C%D8%A7%D8%AA)» (طوسی، *تهذیب الاحکام*، ص. ۸۴) معصومان  در روایات بسیاری، بر داشتن نیت پاک و مخلصانه تأکید کرده و نیت فاسد را عامل از بین رفتن [برکت](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A8%D8%B1%DA%A9%D8%AA) و روزی انسان و پیش آمدن بلا و گرفتاری معرفی نموده‌اند. (ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمة*، ج. ۱، ص. ۵۷۹) برخی از احادیث، در مقایسه نیت و عمل، نیت را اصل، شالوده و برتر از اعمال معرفی کرده (کلینی، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج. ۳، ص. ۱۳۴) و اعمال را ثمره‌ی‌ نیت‌ها دانسته‌اند. (ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمة*، ج. ۱، ص. ۵۷۹) همچنین ذکر کردند که [پاداش الهی](https://fa.wikishia.net/view/%D9%BE%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D8%B4)، شامل نیت بدون عمل نیز می‌شود. (حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج. ۱، ص. 52) بر اساس روایتی از امام علی ، اعمال بندگان، دارای مراتب و درجه‌هایی متفاوت هستند و «نیت» تعیین‌کننده‌ی میزان ارزش اعمال اخلاقی و عبادی انسان‌هاست. (همان، ص. 63) در [علم اخلاق](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82)، نیت، اساس ارزش اخلاقی و منشأ خوبی و بدی کارهای انسان معرفی شده است. (آرانی، «جایگاه نیت در تفاوت بنیادین فقه و اخلاق» در *پژوهشنامه اخلاق*، سال سوم، بهار 1390، ص. 11، ص. ۱۶۶) دانشمندان اخلاق معتقدند [تَجَرّی](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AA%D8%AC%D8%B1%DB%8C)و قصد [گناه](https://fa.wikishia.net/view/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87) بدون این‌که آن کار را انجام دهد هرچند در [فقه](https://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D9%82%D9%87) حرام نیست، ولی از جهت [اخلاقی](https://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82) کاری ناپسند شمرده می‌شود. (طباطبایی یزدی، *حاشیه مکاسب*، ج. ۱، ص. ۳۴) نیت در عبادات و همراه با [قصد قربت](https://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%B5%D8%AF_%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%AA) در واجبات تعبدی (واجب‌هایی که جنبه‌ی عبادی و پرستش دارند) مانند [وضو](https://fa.wikishia.net/view/%D9%88%D8%B6%D9%88)، [نماز](https://fa.wikishia.net/view/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2)، [روزه](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%87)، [حج](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AC) واجب و... ضروری است. (هاشمی شاهرودی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت *، ج. ۲، ص. ۵۲۰) [فقیهان](https://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D9%82%DB%8C%D9%87%D8%A7%D9%86) یکی از شرط‌های صحیح بودن عبادات را نیت کردن قبل از شروع عمل می‌دانند و ادامه داشتن نیت را تا پایان عمل نیز لازم می‌دانند. (*فرهنگ‌نامه اصول فقه*، ج. ۱، ص. ۴۳۵) نماز را بايد به قصد قربت يعنى براى اطاعت فرمان خدا انجام داد و لازم نيست نيّت را به زبان آورد و يا در اوّل نماز از قلب بگذراند (خمینی، *تحریر الوسیلة*، ج. ۱، ص. ۱۳۹) همين اندازه كه اگر سؤال كنند چه می‌كنى، بتواند جواب دهد كه براى خدا نماز می‌خوانم كافى است. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی) بنا بر نظر فقیهان، نیت امری ذهنی است و لازم نیست بر زبان آورده شود. (*رساله توضیح المسائل مراجع*، ص. ۲۶۵) نیت در نماز، در کنار [رکوع](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B9)، [سجده](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D9%87)، [تکبیرة الاحرام](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AA%DA%A9%D8%A8%DB%8C%D8%B1%D8%A9_%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%85) و [قیام](https://fa.wikishia.net/w/index.php?title=%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85&action=edit&redlink=1)، یکی از ارکان نماز است. (هاشمی شاهرودی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت *، ج. 4، ص. 127) عالمان اسلام معتقدند اگر کسی قبل از انجام دادن اعمال [مباح](https://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%AD)، نیت و [قصد قربت](https://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%B5%D8%AF_%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%AA) کند، عملی که انجام داد، تبدیل به عمل مستحبی خواهد شد. (شعبانی، «نقش نیت در فعل و هدف اخلاقی از دیدگاه امام محمد غزالی و علامه طباطبایی» (پایان‌نامه)، ص. ۵۵) [↑](#footnote-ref-1)
2. أَرْوِي عَنِ الْعَالِمِ  أَنَّهُ قَالَ‏ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ لِأَنَّهُ يَنْوِي خَيْراً مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْفَاجِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ‏. وَ نَرْوِي‏ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ لِأَنَّهُ يَنْوِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُطِيقُهُ‏ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ‏. وَ رُوِيَ‏ مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ‏. وَ سَأَلْتُ الْعَالِمَ  عَنْ قَوْلِ اللَّهِ‏ خُذُوا ما آتَيْناكُمْ بِقُوَّةٍ قُوَّةُ الْأَبْدَانِ أَمْ قُوَّةُ الْقَلْبِ فَقَالَ جَمِيعاً وَ قَالَ لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ وَ لَا نِيَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ. وَ نَرْوِي‏ حُسْنُ الْخُلُقِ سَجِيَّةٌ وَ نِيَّةٌ وَ صَاحِبُ النِّيَّةِ أَفْضَلُ. وَ نَرْوِي‏ مَا ضَعُفَتْ نِيَّةٌ عَنْ نِيَّةٍ. وَ أَرْوِي عَنْهُ‏ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ الْعَمَلُ‏ يَدْخُلُهُ الرِّيَاءُ وَ النِّيَّةُ لَا يَدْخُلُهَا الرِّيَاءُ. وَ سَأَلْتُ الْعَالِمَ  عَنْ تَفْسِيرِ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ قَالَ إِنَّهُ رُبَّمَا انْتَهَتْ بِالْإِنْسَانِ حَالَةٌ مِنْ مَرَضٍ أَوْ خَوْفٍ يُفَارِقُهُ الْعَمَلُ وَ مَعَهُ نِيَّتُهُ فَلِذَلِكَ الْوَقْتِ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ فِي وَجْهٍ آخَرَ أَنَّهَا لَا تُفَارِقُ عَقْلَهُ أَوْ نَفْسَهُ وَ الْأَعْمَالُ قَدْ تُفَارِقُهُ قَبْلَ مُفَارَقَةِ الْعَقْلِ وَ النَّفْسِ. أَرْوِي عَنِ الْعَالِمِ  أَنَّهُ قَالَ‏ طُوبَى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْراً وَ نَظَرُهُ عَبَراً وَ وَسِعَهُ بَيْتُهُ وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ. وَ أَرْوِي‏ فِكْرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ. (امام علی بن موسی الرضا ، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا *، ص. 378 (باب النيات‏ و إن نية المؤمن خير من عمله لأنه ينوي خيرا من عمله‏)) [↑](#footnote-ref-2)
3. حُسن و قُبح بر دو گونه است: فعلی و فاعلی. هر عملی دو جنبه و دو بُعد دارد و هر یک از دو جنبه‌ی آن از نظر خوبی و بدی حسابی جداگانه دارد. ممکن است یک عمل از لحاظ یک بُعد نیک باشد، ولی از بُعد دیگر نیک نباشد. عکس آن نیز ممکن است. و نیز ممکن است یک عمل از لحاظ هر دو بُعد نیک یا بد باشد. این دو بُعد عبارت است از: شعاع اثر مفید و یا مضرّ عمل در خارج و در اجتماع بشر، و شعاع انتساب عمل به شخص فاعل و انگیزه‌های نفسانی و روحی که موجب آن عمل شده است و عامل خواسته است به واسطه‌ی آن عمل و با وسیله قرار دادن عمل به آن هدف‌ها و انگیزه‌ها برسد. از نظر بعد اول باید دید اثر مفید و یا مضرّ عمل تا کجا کشیده شده است؟ و از نظر دوم باید دید که عامل در نظام روحی و فکری خود چه سلوکی کرده و به سوی کدام مقصد می‌رفته است؟ پس حُسن و قُبح فعلی، یا خوبی و بدی اعمال، از نظر بُعد اول بستگی به اثر خارجی آن عمل دارد؛ و حُسن و قُبح فاعلی یا خوبی و بدی از نظر بُعد دوم بستگی به کیفیت صدور آن از فاعل دارد. در حساب اول، قضاوت ما درباره‌ی یک عمل از لحاظ نتیجه‌ی خارجی و اجتماعی آن است؛ و در حساب دوم، قضاوت ما از نظر تأثیر داخلی و روانی عمل در شخص فاعل است. نسبت حُسن فعلی به حُسن فاعلی نسبت بدن به روح است. یک موجودِ زنده ترکیبی است از روح و بدن؛ باید در پیکر عملی که حُسن فعلی دارد حُسن فاعلی دمیده شود تا آن عمل زنده گردد و حیات یابد. حُسن فعلی برای پاداش اخروی عمل کافی نیست، حُسن فاعلی هم لازم است؛ حُسن فعلی به منزله تن و حُسن فاعلی به منزله روح و حیات است. از نظر اسلام، عمل آنگاه خیر و صالح محسوب می‌گردد که از دو جهت حُسن داشته باشد: حُسن فعلی و حُسن فاعلی. قرآن می‌فرماید: الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا. آن‌که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را در امتحان نیکوترین عمل و صواب ترین عمل قرار دهد. فرمود صواب‌ترین عمل و نفرمود بیشترین عمل. زیرا عمده این‌ است که بدانیم آنگاه که تحت تأثیر انگیزه‌هایی روحی، عملی انجام می‌دهیم‌ گذشته از پیکر عمل که یک سلسله حرکات و سکنات است و دارای اثرها و ارزش‌های خاص اجتماعی است، از نظر معنوی واقعاً و حقیقتاً به سویی می‌رویم‌ و طی طریقی می‌کنیم. مطلب به این سادگی نیست که هر چه هست عمل است، کار است، انرژی عضلانی است که مصرف می‌شود و اما اندیشه‌ها و نیت‌ها، به اصطلاح‌ ارزش مقدماتی دارد برای عمل، همه ذهنیت است و همه مقدمه است و عمل‌ ذوالمقدمه، اساس ذوالمقدمه است، مقدمه هر طور بود، بود. خیر، اصالت فکر و نیت، از اصالت عمل کمتر نیست. این گونه تفکر اصالة العملی که اندیشه و نیت و عقیده را اصیل نمی‌شمارد و تحت عنوان‌ عینیت و ذهنیت صرفاً ارزش مقدمی برایش قائل است، یک‌ تفکر مادی است. گذشته از اینکه بطلان این مکتب در جای خود روشن است، قدر مسلم این است که معارف قرآن را با اینگونه طرز تفکرها نتوان توجیه‌ کرد. از نظر قرآن، شخصیت واقعی ما و من حقیقی ما همان روح ماست، روح ما با هر عمل اختیاری، از قوه بسوی فعلیت گام برمی‌دارد و اثر و خاصیتی متناسب با اراده و هدف و مقصد خود کسب می‌کند، این آثار و ملکات جزء شخصیت ما می‌شود و ما را به عالمی متناسب خود از عوالم وجود می‌برد. پس حسن و قبح فعلی، یا خوبی و بدی اعمال، از نظر بعد اول بستگی به‌ اثر خارجی آن عمل دارد، و حسن و قبح فاعلی، یا خوبی و بدی از نظر بعد دوم بستگی به کیفیت صدور آن از فاعل دارد. در حساب اول، قضاوت ما درباره یک عمل از لحاظ نتیجه خارجی و اجتماعی آن است، و در حساب دوم‌، قضاوت ما از نظر تأثیر داخلی و روانی عمل در شخص فاعل است. وقتی یک فرد، بیمارستانی به وجود می‌آورد یا اقدام نیکوکارانه‌ی دیگری در امور فرهنگی یا بهداشتی یا اقتصادی یک کشور انجام می‌دهد، شک نیست که‌ عمل او از نظر اجتماعی و در مقیاس تاریخ، خیر است، یعنی کار مفید و نافع برای‌ خلق خداست. در این حساب تفاوتی نمی‌کند که هدف فاعل از ایجاد بیمارستان یا مؤسسه خیریه دیگر چه باشد؟ خواه هدفش ریاکاری و تظاهر و اشباع غرائز نفسانی باشد یا انسانی و عالی و غیرفردی و مافوق مادی، در هر صورت از لحاظ اجتماع یک مؤسسه خیریه به وجود آمده است. قضاوت تاریخ‌ در مورد اعمال مردم همیشه از همین جنبه و در همین بعد است. تاریخ هرگز به نیت اشخاص کاری ندارد. وقتی سخن از شاه‌کارهای هنر و صنعت در اصفهان به میان می‌آید کسی کاری ندارد که مثلاً پدیدآورنده‌ی مسجد شیخ لطف‌ الله یا مسجد شاه یا سی و سه پل چه نیتی و هدفی داشته است، تاریخ پیکر را می‌بیند و نام عمل را عمل خیر می‌گذارد. اما در حساب حسن فاعلی نظر به اثر اجتماعی و خارجی فعل نیست، در این حساب نظر به نوع ارتباط عمل با فاعل است، در این حساب مفید بودن عمل کافی نیست برای اینکه عمل، عمل خیر محسوب گردد. در این‌جا حساب این است که فاعل با چه نیت و چه منظور و هدفی و برای وصول‌ به چه مقصدی اقدام کرده است؟ اگر فاعل، دارای نیت و هدف خیر باشد و کار خیر را با انگیزه‌ی خیر انجام داده باشد کارش خیر است یعنی حسن فاعلی‌ دارد و عملش دو بعدی است، در دو امتداد پیش رفته است: در امتداد تاریخ و زندگی اجتماعی بشری، و در امتداد معنوی و ملکوتی، ولی اگر آن‌ را با انگیزه‌ی ریا یا جلب منفعت مادی انجام داده باشد، کارش یک بعدی‌ است، تنها در امتداد تاریخ و زمان پیش رفته ولی در امتداد معنوی و ملکوتی پیش نرفته است و به اصطلاح اسلامی عملش به عالم بالا صعود نکرده‌ است، و به تعبیر دیگر در این‌گونه موارد، فاعل به اجتماع خدمت کرده و آن را بالا برده است ولی به خودش خدمت نکرده است بلکه احیاناً خیانت‌ کرده است، روحش به‌جای این‌که با این عمل، تعالی یابد و بالا رود تنزل‌ یافته و سقوط کرده است. البته مقصود این نیست که حساب حسن فاعلی از حسن فعلی بکلی جداست و انسان از نظر نظام روحی و تکامل معنوی نباید کاری به کارهای مفید اجتماعی‌ داشته باشد، مقصود این است که کار مفید اجتماعی آن‌گاه از نظر نظام روحی‌ و تکامل معنوی مفید است که روح با انجام آن عمل یک سیر و سفر معنوی‌ کرده باشد، از منزل خودخواهی و هواپرستی خارج شده و قدم به منزل اخلاص و صفا گذاشته باشد. نسبت حسن فعلی به حسن فاعلی نسبت بدن به روح است. یک موجود زنده، ترکیبی است از روح و بدن، باید در پیکر عملی که حسن فعلی دارد، حسن‌ فاعلی دمیده شود تا آن عمل زنده گردد و حیات یابد. (مطهری، *عدل الهی*، صص. 271-272، 274، 283 و 318) [↑](#footnote-ref-3)
4. درس 5 *فقه الروابط* از سلسله‌ی *فقه الاداره*، 22 شهر ربیع الاول 1447. [↑](#footnote-ref-4)